

ارکان سازمان بارکستی نسیتی توفان

همکاریهای "عمرانی منطقه‌ای"

روزنامه کیهان در شماره ۲۷ خرداد ۱۳۴۸ تحت عنوان "گفتران عمرانی" ایران و چهار کشور آسیای تشکیل میشود " اطلأ میدهد که نمایندگان پنج کشور منطقه ای مرکب از ایران و افغا -

استان، پاکستان، هند و اتحاد شوروی گفترانسی در دهی نو تشکیل میدهند تا امکان همکاری دول این منطقه را بررسی کنند... " گاندی گفت: در تهیه طرح همکاریهای مشترک بین کشورهای ناحیه شوروی صرفا نظارت داشته است... در همین خبر گفته میشود که کشورهای دیگر مانند سیلان و نیپال نیز ممکن است باین گفترانسی پیوندند. اما روزنامه مرد مبارز در شماره ۱۸۸۷ خود دامنه این گفترانسی را بسراسر آسیا بشیر از چین کمونیست توسعه میدهد و تحت عنوان " بازار مشترک آسیای " چنین میپویسد: در هفته گذشته از برای دیپلماتیک یک سلسله تمالیجهائی صورت گرفت تا قبل از اجرای طرح همکاری عمرانی آسیای و کشورهای این منطقه مبادلات و معاملات تجاری و بازرگانی خود را در آسیا با یک دیگر انجام دهند

میتکنن طرح هند و شوروی هستند و نظر دولت ایران بر این است که این طرح در دو مرحله انجام گیرد. گفته میشود ایران بسا تشکیل یک بازار مشترک آسیائی موافقت کرده است و البته در این بازار چین کمونیست صعوت نخواهد داشت... در اینجسا صحبت بر سر یک بازار مشترک آسیائی است که کشور آسیائی چین باهتفص و پنجاه ملیون سکنه اش در آن شرکت ندارد. ولی اتحاد شوروی که یک کشور اروپائی است همراه با امریکای امریکائی از گردانندگان آنند. تخریب حدیث فضل بخوان از این مجلأ ریزیونیتسهای شوروی که طرح همکاریهای عمرانی منطقه ای را در آسیا پیش کشیده اند و بدلالی نخست وزیر هند در نیپال تحقق آنند در واقع میخواهند سدی از دول ارتجاعی دست نشاندۀ امریالیسم در پیروان چین توده ای ایجاد کنند. " همکاریهای عمرانی منطقه ای " فقط مقدمه ای برای ایجاد " سیستم امتیت مشترک آسیا " است که بر ژرف سردمدار ریزیونیتسها در گفترانسی سران احزاب ریزیونیت در سکو مطرح ساخت و سپس در نطق کرومیکو در شورای عالی اتحاد شوروی تکرار گردید. روزنامه ایروستیا مورخ ۲۰ ژوئن احتراق میگوید که " این همکاری (منظور همکاری اقتصادی منطقه ای است) شرایط مقدماتی را برای تشکیل سیستم امتیت مشترک این منطقه فراهم خواهد آورد". ریزیونیتسهای شوروی از امتیت کشورهای آسیا سخن بمان میاورند اما باید دید امتیت در برابر کی؟ برای کی؟ بیخاطر چه مقاصد؟ نمونه ایران برای هر بیننده ای روشن میسازد که امتیت یعنی حفظ رژیمهای جبار و دست نشاندۀ امریالیسم در این کشورها برای آنکه امریالیستها و ریزیونیتسها بتوانند بفراغ بال بغارت این کشور هاو استثمار مردم زحمت کش آنها بپردازند آنچه کمانیت این کشورها را بهمزد موزینده آنچکهک صلح را در این منطقه از جهان بیخاطر میافکند امریالیسم ریزیونیتسها را میسازد. این نگه است که امروز همه گسرا آنرا در مییابند. و درست بخاطر امتیت خویش و حفظ صلح است که توده های مردم این منطقه سلبه بدست گرفته و با امریالیسم و سگان رژیونری اش میچنگند. علیرغم این واقعیت آشکار و عیان کرومیکو وزیر خارجه شوروی باز هم بر آست که " در مسائل مربوط به حفظ صلح اتحاد شوروی و اتارونی می توانند زبان مشترکی بیابند. " (سخنرانی ۱۰ ژوئیه در شورای عالی اتحاد شوروی) آری، اتحاد شوروی با بقیه در صر

افتخار بر آلبانی سوسیالیستی

از تاسیس جمهوری توده ای آلبانی ۲۵ سال میگذرد. ۲۵ سال میگذرد از زمانی که خلق دلاور آلبانی زیر رهبری حزب کار آلبانی در جنگ با اشغالگران فاشیست و خائنین داخلی به پیروزی تاریخی نائل آمد و جمهوری سوسیالیستی آلبانی را بنیاد نهاد. طی این مدت خلق آلبانی با زهم تحت رهبری حزب کار آلبانی که در رأس آن رفیق انور خوجه، مارکسیست - لنینیست بزرگ قرار دارد پیروزیهای بزرگی را یکی پس از دیگری در دست سر گذارده است. کشور کوچک آلبانی که زمانی زیر سلطه امپریالیسم قرار داشت و ارتقب مانده ترین کشورهای اروپا بود امروز یک کشور آزاد، مستقل و سوسیالیستی تبدیل شده است. خلق آلبانی که تا دیروز در زیر ستم و خشیانه رژیم های ارتجاعی قرار داشت امروز قدرت دولتی را در دست دارد، فرمانروای توانائی کشور خویش است و با دستهای خود زندگی نوینی را برای خویش بنا مینهد. (انور خوجه)

آلبانی جدید سوسیالیستی اکنون دارای اقتصادی مدرن و شکوفان آموزش و فرهنگ است و ای استو باگامهای بلندی بسوی ساختمان کامل سوسیالیسم به پیش میرود. تولید صنعتی آلبانی طی ۳۰ سال گذشته بیش از ۴۴ برابر افزایش یافته است. در سراسر کشور موسسات صنعتی گوناگون از صنایع سنگین و استخراجی گرفته تا صنایع سبک پدید آمده و میآیند. شعب صنعتی تازه ای مانند صنایع فلزکاری و صنایع شیمیائی پابعصره وجود گذارده و میگذارند، مراکز بزرگ برق احداث شده و با در دست ساختمان استبرای آنکه در پایان نطقه پنجساله جاری بسراسر کشور برق و انرژی برسانند.

ایوان پی شکسته

امپریالیسم امریکا میکوشد تا سفرانسان به راه نموداری ارتقم پیشرفتی علم برای علم بسود همه بشریت، مظهری از قدرت علمی و فنی امریکا و غلبه تاپی پیری خود بشعار آورد و این وسیله خلقهای جهان را بفروشد، مجزوب و مرعوب گرداند و شکستهای پیاپی در کره زمین را با پیروزی در کره ماه جبران کند. ریزیونیتس شوروی در این معامله هم رقیب وهمشریک است. امریالیسم جهانیست گستر امریکا که حکومتائی نظیر حکومت سوهارتو، میرو و محمد رضا شاه را بیسادی از نظم امپریالیسم و بیفرهنگی گامشته و در سراسر جهان راهزن پویندگان راه روشنائی است اینک در سوسخته دانش فلما میشود! البته منبر کز کراسها را دیوها و تلویزیونهای که سفر شگفت آمیز پولو یازده را با شکار مختلف بگوشیو دیده مردم گیتی میکشند از محافل که سرخ را در دست دارند، از انحصار اران امریکائی که پرتاب آپولو فقط وسیله ای از وسائل اجرای نقشه های آزمندانه آنان است سخنی نمیکویند. این دستگاههای تبلیغاتی وظیفه پوشاندن ایسین حقیقت را دارند که در امریکای امروز بیش از همه جا و هر زمان علم تابع منافع ملیونها و ملیاردها است. علم و تکنیک امریکا در درجه اول مخلوق و مطیع وزارت جنگ امریکا است. در امریکائیست اینچنان آئینه نظامی - صنعتی " بوجود آمده است که با ترفار ای ایزنهاور - " طبق خد حافظه " ۱۹۶۱ - " فنون اقتصادی " سیاق و حتی فرهنگی آن در هر شهر، در هر مجلس قانونگری، در هر اداره مرکزی احساس میشود. پژوهش های عمده امریکا تحت نظارت این " آئینه نظامی - صنعتی " صورت میگردد و درجهت حرکت میکند که وی میطلبد. وزارت جنگ امریکا سالانه هشت ملیارد دلار بصرف پژوهشهای علمی و بکار بردن نظامی آنها میرساند و قسمت مهم این مبلغ بدانشگاهها میرسد و - با اعتراف ستانور فولبرایت - " استقلال آنها را نابود و روحیه علمی آنها را مسخ میکند ". دانشگاهها و مراکز عمده پژوهشی امریکا در رژیونیر سرمایه مالی و الیگارشپی نظامی امریکا است. انحصارهای امریکائی مردم ساده جهان را بدان دلخوش میدارند که بشر امروز پای بر کره ماه نهاده است ولی خود آنها دلخوشی مادی تری دارند و آن اینستکه ملیونها و ملیاردها دلار از محل سفارشهای سفینه های فضائی بر کجینه خون آلود

صنایع کشور اکنون پایه نیرومندی برای رشد اقتصاد و ارتقاجله کشاورزی است. کشاورزی اشتراکی و پیشرفته آلبانی با موفقیت کامل در راه رشد سوسیالیستی روان است. در نتیجه افزایش سطح کشت که قسمت عمده آن از طریق خشکانیدن مردابها تامین میگردد، بر نتیجه آبیاری و بکار بردن کود و ماشینهای کشاورزی، تولید زرا و دامپروری نیازمندیهای روز افزون اهالی و احتیاجات صنایع را مواءم خاطر کامل بر میآورد. همواره با رشد موزون و هماهنگ اقتصاد در گرونیهای بزرگی در زمینه آموزش و فرهنگ رویداده است بیسواد سستی اکنون از کشور آلبانی رخت بر بسته آموزش توده ای بمقاس وسیعی گسترش یافته است. هنر و فرهنگ در اختیار توده های وسیع خلق است در رگیه شعب علم و هنر و فرهنگ کادراهی فراوانی از محیط کار - کران و دهقانان بیرون آمده است. این کامیابیهای درخشان خلق آلبانی آسمان بدست نیامده، امریالیسم و ریزیونیتس در راه رشد اقتصادی و فرهنگی، در پیشرفت آلبانی بسوی سوسیالیسم موانع و مشکلات بزرگی ایجاد کردند، ولی خلق آلبانی همانگونه که اشغالگران فاشیست و دستیاران آنها را در هم کوبید و استقلال و آزادی خویش را بدست آورد، با فداکاری و از خودگذشتگی کم نظیری مشکلات و موانع را از پیش برداشته و استقلال میهن و دست آورد های سوسیالیستی را پاسداری کرد و همچنان در راه ساختمان سوسیالیسم پیشرفت میکند. در نوامبر ۱۹۶۶ تشکیل گردید مرحله نوینی را در ساختمان سوسیالیسم کشور، بقیه در صر

آنها اضافه شده است. همچنانکه کشف امریکا برای سرمایه داری آن عهد صناعی بزرگی جز کشف و غارت معادن طلا، چاول و کشتار بیدریغ بومیان، غصب سرزمینها و توسعه برده داری نداشته در نظر سرمایه داری امروز نیز تسخیر کره ماه جز جستجوی منابع جدید ثروت، جز تحصیل وسائل جدید اسارت بشری و جنایات ضد بشری معنای دیگر ندارد. هم اکنون امریالیستهای امریکائی از اینکه در کره ماه نشانه هائی از ماده کیهان و کرانههای تیتان بدست آمده است در تب و تاب اند. هم اکنون چشمهای حریص امریالیستهای امریکائی بر خشکهای اریغان ماه دوخته است تا آزما یتگاههای تحت نظارت آئینه نظامی - صنعتی " چسود های جدیدی از آنها میتوانند برای جهانخواران استخراج کنند در جامعه طبقاتی هیچ علمی بدون خدمت طبقه معین وجوژ ندارد. علم امروز امریکا نیز در خدمت انحصارهای امریکائی است امریالیسم امریکا فقط تا آنجا و در آنجهت با تکامل علم میتواند موافقت داشته باشد که مصالح ارتجاعی وی ایجاد میکند. علم فقط با گسستن زنجیرهای امریالیسم میتواند براه بینهایت ادامه دهد. علمی که خود را از مردم جدا نمیکند، خود را از مردم دور نگه نمیدارد و آماده خدمت مردم است آماده است تمام پیروزی های علم را در اختیار مردم بگذارد و در اولیایان و طبیب خاطر نه با جبار مردم خدمت میکند. (استالین) فقط در جامعه سوسیالیستی قدم بعصره میکند. ارد. کره ماه و کرات دیگر ممکن است منابع جدیدی برای تجاوز - کاری امریالیسم امریکا بدست دهند ولی هیچیک از اینها نخواهند توانست عمر بسرمسیده امریالیسم امریکا را تضمین کند. برای شناختن ناتوانی امپریالیسم امریکا باید بر زمین نگرست نه بماه. باید بسه ویتنام قهرمان نگرست که امریالیسم امریکا را با تمام علم و تکنیکش بادندان امتیض، بالاف و کزافهای از زمین تا آسمانش بزاند و آورد است. باید با این حقیقت نگرست که خطرات اجتماعی مسافرت راکتور نیکیون با آسیا و امریکای لاتین از خطرات مسافرت فضا نوردان بکره ماه بیشتر است. باید با تنش فشانها تیکه در سراسر جهان در زیر پای امریالیسم دهان باز کرده است نگرست. باید بنهخت انقلابی در امریکا و بیوزنه نهخت سیاهان نگرست. امریالیسم امریکا از هر سو با بحرانهائی کمزگن روبروست. کسریودجه امریکا در سال گذشته به ۲۵ / ۴ میلیارد دلار رسید. مجموعه اوراق بهاداری که دولت امریکا منتشر کرده است در مارس سال پسر ۳۵۹ / ۵ میلیارد دلار بالغ شد که تقریبا معادل بقیه در صر

پیروز باد مبارزه خلق چکوسلواکی بوضه دشمنان سوسیالیست شوروی

باز هم درباره تاریخچه ... بقیه از ص
انقلاب ملی و دموکراتیک مطرح گردید . از این پس یک نوع دو-
کانکی بازی در مطالب توفان به چشم میخورد .
در همین موقع جزوهای بموازات شماره ۴ و توفان بنام "سبک
ذهنی در تفکر و عمل" انتشار یافت . در مقدمه مایه با مضمون
" جوانان مارکسیست - لنینیست - همکاران نشریه توفان" نوشته
شده چنین میخوانیم : "تفنگ ما پراگندگی عیانی که در این زمانه
نیروهای چپ علاقمند به مارکسیسم - لنینیسم را از کار مبارزه
خلاق توده‌های باز داشته است فقط و فقط منوط به عدم درک
عمیق و صحیح اکثریت قریب بانفاق این نیروها از ماتریالیسم
دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی است . ما در کار خویش هنوز
گرفتار شیوه تفکر ذهنی و برداشتهای اشتباه آمیز هستیم .
انتشار این جزوه که بر اساس تجربه حزب کمونیست چین نوشته
شده به یوه کام سبی در راه مشخص کردن خط مشی توفان در
آن زمان بشمار میرفت .

بندر ریج دوگانگی و تضاد درونی توفان شدت میگرفت . در
مقاله‌ایکه در سال گذشته (شماره ۱۲ و دو سوم توفان) تحت
عنوان تاریخچه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان" نگاشته
شد درباره این تضاد چنین میخوانیم : " در داخل سازمان
مبارزاتی که علیه راست روی آغاز شده بود شدت گرفت . تضاد
برای انتخاب دو راهی که آیا توفان بشیوه متزلزل گذشته خویش
ادامه دهد و یا صریحا خط مشی مارکسیستی - لنینیستی انتقا
کند و بخود جرات دهد که در این راه بجارزه و بسپج توده‌ها
بپردازد . . . مبارزات درونی توفان روز بروز بیشتر موجهیوشن
شدن راه روزنامه و اتخاذ خط مشی صریح مارکسیستی لنینیستی
گردید . برای نمونه میتوان از مقدمه‌ایکه روزنامه توفان براعلامیه
رفقا سفائی و فریون و قاسمی نوشت یاد کرد . در آنجا چنین
میخوانیم : " امروز جنبش‌رهای بخش‌میهن ما برای برانداختن
سلطه استعمار و استشاره احتیاج به رهبری یک سازمان واحد
اصیل مارکسیست - لنینیست یعنی احیاء حزب سیاسی طبقه
کارگر دارد . . . در این مقدمه به رویزیونیسم حزب توده ایران
صریحا حمله شد و تصمیمات پانوم باز هم کشته مرکزی شد یا
محکوم گردید . این مبارزه شد رویزیونیستی همچنین در مقدمه
ایکه در شماره ۱۹ برنامه رفیق قاسمی نوشته شده بود تعقیب
گشت . علاوه بر این بموازات شماره ۱۹ جزوه "آموزش خود را از
نویسازیم" اثر ارزنده رفیق مائوتسه دون انتشار یافت و در مقدمه
ایکه برای آن نوشته شده بود از " انتقاد سازنده و راهنمایی
های موثر رفیق مائوتسه دون" تجلیل گردید .

البته هنوز نوساناتی در روزنامه توفان (دوره دوم) به چشم
میخورد ولی سمت حرکت این روزنامه هر روز اصولی‌تر و مبارزه
وی استوارتر میشود .

شماره ۲۲ توفان نقطه عطفی بود . در این زمان کسانیکه
در اشتباهات و نوسانات گذشته اصرار ورزیده بودند یا بجهت
صحیح گشاده شیدند و خود را در اختیار خط مشی مشخص
جدید قرار دادند و یا اینکه برای همیشه از توفان روی گردانند
بهترین نشانه حل صحیح تضاد در جهت مارکسیسم - لنینیسم
مقالات متعدد است که در شماره‌های ۲۲ تا ۲۶ (آخرین
شماره دوره دوم) مایه سولندی روزنامه توفان است .
در اینجا چون مبارزه با راست روی به پیروزی رسیده بود
خطر چپ روی بوجود آمد . عده‌های سودجو فرصت طلب باسوء
استفاده از شور انقلابی رفقای که از مبارزه با راست روی بسا
موفقیت بیرون آمد بودند در صدد انحراف توفان بسوی دیگر

خوآندگان گرامی!

توفان را از خود جدا ندانید . توفان روزنامه شماست ،
بیانگر اندیشه ها و خواستههای شماست . در کار توفان شرکت
ورزید . کمک به توفان را وظیفه خود بشمارید . پیوسته در
این فکر باشید که ارسالی خبر و مقاله برای توفان برعسده
شما نیز هست . پرداخت و جمع آبرومان و اعانه ضامن مادی
بقای توفان است .

یک مقاله در دو جمله

حکومت ایران باحیالیسم وفادار است
روزنامه مردم فروردین ۱۳۴۸
" همگاری اتحاد شوروی و ایران سال بسال قوس صعودی را
میپیماید و هم‌اکنون بسیاری از رشته‌های روابط دوطرفه و
مسائل مهم امور بین‌المللی را بویژه مسائلی مانند . . . مبارز
خرد استعمار . . . رافرا گرفته است . در اتحاد شوروی نسبت به
خط مشی ایران در اثر پیروی از سیاست خارجی مستقل ملی . . .
توجه کافی میدول میدارند ."
از سخنان یادگرنی صد رهیت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی
نقل از روزنامه کیهان ۳ مه ۱۳۴۷
" در اتحاد شوروی ، سیاست خارجی ملی مستقل ایران را محترماً
میشمارند ."

ارتزطق کاسیگین نخست وزیر شوروی
نقل از اطلاعات ۱۵ فروردین ۱۳۴۷

بر آمدند و توانستند بر پیگیر نیروی جدیدی که رشد گرفته بود و
میخواست به نبرد قاطع با رویزیونیسم ادامه دهد در مهای جری
وارد آوردند . این فرصت طلبان حتی توانستند روزنامه توفان را
برای چندین ماه تعطیل کنند و میدان را برای رویزیونیستهای
حزب توده ایران و شرکایشان خالی بگذارند .
... انتشار دوره سوم توفان پس از تاسیس سازمان مارکسیستی -
لنینیستی توفان (۱۵ ژوئیه ۱۹۶۷) صورت گرفت . چنانکه ید
میشود سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ثمره مبارزات و
کوششهای طولانی و تجارب گرانبها شناختهای جدی به شناخت
ضرورت تاریخی معین " مردمی پروسه مبارزه" بود . سازمان
توفان " مانند قارچ از زمین" نروید و " یک شمه بوجود" نیامد .
از این بررسی نتیجه گیری میکنیم : " نفاص و انحرافات
دوره دوم توفان ناشی از عدم تجربه کافی و ناشی از ذهنی گری
ناشی از عدم درک ضرورت مشخص تاریخی و ناشی از آن بود که
پس از جدائی از رویزیونیستهای حزب توده برای اولین بار دیگر
تازه‌ای دست برده میشد .
توفان دوره دوم با وجود تمام نواقص و خطاهای بزرگی که
مرتکب شده در تاریخ جنبش کمونیستی ایران نقش مثبتی بازی
کرده است . بالاخره همین توفان بود که سکوت را شکست و در
مقابل رویزیونیسم قد علم کرد و راه را برای تاسیس سازمان
مارکسیستی - لنینیستی توفان هموار نمود . بطور کلی جهات
مثبت فعالیت دوره دوم توفان عمده و جهات منفی آن اهمیت
درجه دو داشته‌اند .

توجه باین واقعیت نیز مفید است که توفان در دوره دوم
خود در جهت تکامل قدم برداشته است .
البته قضاوت دشمنان با بنحو دیگری است . ما جهات منفی
فعالیت دوره دوم توفان را از جهات مثبت آن تفکیک میکنیم . در
حالیکه دشمنانمان جهات منفی آن را مطلق میکنند . ما بتعم
دوره دوم توفان استناد میکنیم در حالیکه آنها به جمله از آن
دوره نقل میکنند و نقش مثبتی را که دوره دوم توفان بعهده
داشته است بدست سلطت میسپارند و بدشنام توسل مییویند .
ولی بقول لنین " دشنام سیاسی همیشه روی عدم اصولیت ایدئو
لوزی و بیچارگی و ضعف و سستی و ضعف و سستی فوق‌العاده
دشنام دهنده" سرپوش میگردد ."

" خلق های جهان
متحد شوید تا تجاوزکاران امریکائی و چاکران آنها
را از پای درآورید . همینکه خلقها بفرمان هم‌خوش
عمل کنند ، جبراً تسلیم داشته باشند از دشمنان
نبراستند بصورت امواج پیپایی به پیش‌روند سراسر
گیتی از آن آنها خواهد شد . همه دیوان ناپسود
خواهند گشت ."

مائوتسه دون

انتخاب بر آلبانی . . . بقیه از ص
ایدئولوژی و فرهنگ و انقلابی کردن انسان و سراسر زندگی
اجتماعی بخاطر برانداختن ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی و تمام
مظاهر آن و تحکیم قدرت دیکتاتوری پرولتاریا و سر-
انجام پیروزی رساندن سادت ساختمان سوسیالیسم
مرحله نوین انقلاب تمام زمینه های فکری و اجتماعی را در بر
میگیرد ، مبارزه بخاطر آموزش و فرهنگ سوسیالیستی ، مبارزه بخاطر
آزادی اجتماعی و تساوی کامل حقوق زن ، مبارزه با عادات و
رسوم کهنه و برانداختن پایه مادی آنها . مبارزه با بورژوازی و
این مرحله از انقلاب براین اصل پایه میگردد که مبارزه طبقه
در دوران سوسیالیسم همچنان ادامه مییابد و نیروی محرکه عمده
در تکامل جامعه سوسیالیستی است . مبارزه طبقاتی در جامعه
سوسیالیستی از اینجا ناشی میشود که طبقات استثمارگر که انقلاب
آنها را از قدرت بیزیر کشیده ولی نابود نکرده است بزندگی خود
ادامه میدهد و پیوسته در اندیشه بازگشت برزیسی هستند که در
آن بتوانند مانند ازمنه قدیم با استثمار توده های زحمتکش بپردازند
که گرایشهای خرد بورژوازی هنوز در جامعه موجود است بویژه
در روستا بعلت مالکیت خصوصی دهقانان بر طبقه زمینی کوچک
در کار مالکیت اشتراکی آنها که ایدئولوژی بورژوازی و فئودالی
در جامعه کم و بیش باقی است و دشمنان سوسیالیسم برای باز-
گشت بگذشته از آن بهره برداری میکنند ، که کشور آلبانی در اش
سرمایه داری و رویزیونیسم است که هیچگاه از تحریکات و اعمال
فشار مادی و مهنی باز نمیایستند .

لزوم انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی از این عوامل ناشی میشو
انقلابی که هدف عمده آن برانداختن ایدئولوژی بورژوازی و
فئودالی از ذهن توده ها و نشانیدن ایدئولوژی و فرهنگ سوم
سیالیستی بجای آن و براین اساس انقلابی کردن ذهن انسان
و سراسر زندگی اجتماعی است ، بدیهی است چنین انقلابی نمی-
تواند در دایره موسسات دولت سوسیالیستی محدود بماند و باید
توده های وسیع مردم را در بر گیرد . رفیق انور خوجه اهمیت
تاریخی این انقلاب را چنین توصیف میکند : " وظیفه تاریخی حز
ما در این است که بآنیکه بزوده های کارگران و دهقانان سربازان
کادر ها و روشنفکران و پاکتانیدن آنها بفعالیت انقلابی خلاص
انقلاب ایدئولوژیکی و فرهنگی را بلاانقطاع تعقیب کند و آن را تا
پایان به پیش برد . بر اساس این آموزش ۴ انقلابی اندیشیدن
انقلابی کار کردن ، انقلابی زیستن " شماری است که در سراسر
آلبانی بمرحله تحقق در میآید .

جمهوری توده ای آلبانی با مبارزه پیگیر و بی امان خود علیه
ارتجاع و امپریالیسم و رویزیونیسم با افشاء دشمنان و نقشه های
شوم و ضد انقلابی امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی
برای تسلط بر جهان ، با پشتیبانی بی دریغ و هه جانبیه از
مبارزات خلقهای جهان بخاطر آزادی ، استقلال و سوسیالیسم
توجه توده های زحمتکش را بخود معطوف داشته و در صحنه بین
المللی در نرد خلقهای انقلابی بحق اخبار و احترامی شایسته
بدست آورده است ، دولت سوسیالیستی آلبانی تجاوز رویزیونیست
های شوروی را بچکولائی شدیدا محکوم ساخت و از مبارزه بخاطر
این کشور علیه اشغالگران عمیقاً پشتیبانی کرد ، دولت سوسیالیستی
آلبانی ماهیت پیمان ورشو را که اکنون به آلت تجاوز سوسیال -
امپریالیسم شوروی علیه خلقهای مالک شرق اروپا بدل گردیده
نشان داد و خود را از آن کنار کشید و با این اقدام تاریخی
خود ضربه سختی بر پیمان تجاوزکارانه ورشو وارد آورد .

جمهوری توده ای آلبانی اکنون مانند شمعی فروزان در
اروپا میدرخشد و راه پیروزی انقلاب و پیروزی سوسیالیسم را به
خلقهای انقلابی جهان نشان میدهد . ما بیست و پنجمین سال
حیات پرافتخار جمهوری توده ای آلبانی را بخلق قهرمان آلبانی
تهنیت میکنیم و باین درایم که خلق آلبانی در راه ساختمان کامل
سوسیالیسم بکامیابیهای تازه و تازه تری ناقل خواهد آمد .
افتخار برجسته توده ای آلبانی که پرچم سوسیالیسم را در
اروپا همچنان برافراشته نگاه میدارد .
کامیاب یاد خلق آلبانی در پیگار بخاطر سوسیالیسم و کوم
زنده باد رفیق انور خوجه پیشوای گرامی حزب کار آلبانی و
مارکسیست - لنینیست بزرگ .

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

همکاریهای عمرانی..... بقیه از حرا امپریالیسم آمریکا این آتش افروز جنگ، میتراند برای "حفظ صلح" زبان مشترکی بیابد. علت آنهم این است که رژیم کونونی شوروی بارژی که در آمریکا برقرار است تفاوت ماهوی ندارد. و این دو قدرت بزرگ هر دو در سرکوب خلقهای انقلابی جهان و حفظ آرایش نظم موجود منافع مشترک دارند. آنها بنام "حفظ صلح" مبارزات انقلابی توده هارا هدف میگیرند و بنا بر "امنیت" ادامه اسارت خلقهارا بر نظر دارند. کوشش در متحد ساختن دولت‌های دست نشانده و ارتجاعی آسیا که در گذشته پادشاهت امپریالیسم آمریکا صورت گرفت و امروز رویزینویستیهای شوروی در زیر نام "سیستم امنیت مشترک آسیا" یا "سیستم همکاری منطقه‌ای" سرهم بندی میکنند از همین تیت پلید و ضد انقلابی سرچشمه میگردد.

درست در موقعی که از پیمانهای تجاوزکارانه ای نظیر ستو، ستیو، ناتو جز نامی بیش نمانده و تضادهای از دورن، ایسن پیمانها را تحلیل میبرد، دست در موقعی که رویزینویستیهای ایرانی در ارگانهای تبلیغاتی خود هنوز هم دولت ایرانرا بخروج از پیمان منطقه ای ستو فرامیخوانند سوسیال امپریالیستیهای شوروی در پی ایجاد پیمانهای منطقه ای تازه ای برآمده اند و از این لحاظ در جای پای امپریالیستیهای انگلیسی و امریکایی کام برمی دارند. آنها در انتخاب این سیاست از مرحوم دالسیها پیگری میکنند و میگویند پیمان آسیایی او حیات تازه ای بخشند.

هدف رویزینویستیهای شوروی از ایجاد "سیستم همکاری اقتصادی منطقه ای" و "سیستم امنیت مشترک آسیا" در درجه اول اینستکه در برابری چین توده ای، این مرکز انقلاب جهانی، زنجیری از دولت ارتجاعی و دست نشانده بوجود آورند و مانع از نفوذ توده های انقلابی باین کشورها گردند و در دورن این کشورها توده های انقلابی را که هم اکنون در بسیاری نقاط با نیروی اسلحه بخاطر رهائی خویش از قید استعمار و استثمار به تیرد قهرمانانه ای برخاسته اند سرکوب کنند. امروز هرکس که اندک در کار سیاست وارد باشد به سهولت در مییابد که منظور سران شوروی از "سیستم امنیت مشترک آسیا" ایجاد یک "سپرد فاسی" در برابر چین توده ای است. روزنامه کیهان در شماره ۴۲۶۸

۱۳۴۸ ضمن مقاله در این زمینه چنین میگوید: "شوروی اکنون میکوشد تا کشورهای نظیر هند را که در گذشته از سرکوب پیمان های نظامی پرهیز میکردند مقاعد سازد که تحت حمایت مشترک آمریکا و شوروی و در بنده تضمین های موثر این دو قدرت بزرگ در تدابیر دفاعی تازه ای که بالقوه می تواند چین کمونیست را محاصر کند شرکت نمایند. . . . و کمی دروتر: " . . . حمایت شوروی از یک پیمان دفاعی بین کشورهای آسیایی اطراف چین که همه آنها در مناسبات تولیدی سرمایه داری بسر میبرند خواه ناخواه دفاع از وضع موجود روابط اجتماعی و اقتصادی این کشورهاست، در حالیکه چین روابط اجتماعی و اقتصادی خود را بر اساس روابط سوسیالیسم تنظیم کرده است."

رویزینویستیهای شوروی از اینکه در کشورهای آسیا آتش انقلاب مانند ویتنام شعله زند و گسترش یابد در هراس اند. آنها خواستگاری وضع موجود اند تا بدون دغدغه و تشویش بهم زیستی سلامت آمیزی آمریکا تحقق یخشد و با همکاری وی بطامع آزمندانم توده طلبانه خویش چاره عمل بیوشانند.

رویزینویستیهای شوروی در عین حال میخواهند با تشکیل چنین سیستم هایی در قارت این کشورها دست بازتری داشته باشند و هرچه بیشتر و آسانتر در تاراج این کشورها سهم گردند و تا آنجا که بتوانند در سیاست این کشورها نفوذ کنند و آنها بسود مقاصد ضد انقلابی خویش بگردانند.

البته بیادلات و معاملات تجاری و بازرگانی میان کشورهای آسیا خود بخود عاملی است که باین کشورها امکان میدهد اقتصاد خود را بر اساس تساوی حقوق و امتیازات متقابل بسط و توسعه دهند. اما آن سیستم همکاری اقتصادی که الهامبخش و گرداننده آن امپریالیستها یا سوسیال امپریالیستها باشند شره ای جز تاراج منابع طبیعی و دسترنج خلقهای این کشورها بر نخواهد آورد. شوروی تعاون اقتصادی " کشورهای اروپای شرقی که رویزینویستیهای شوروی آنها وسیله غارت این کشورها در اروپا و جمهوری مخرولستان در آسیا قرار داده اند در برابر ما است.

ایران بی شکسته بقیه از ص ۱ دریافتی مالمی در ساله آمریکا است. تفاوت فاحشی که طی سالهای متوالی در عوائد و مخارج آمریکا در عرصه بین المللی بوجود آمده موجب تقلیل فاحش ذخایر طلا، آمریکا شده است. از سال ۱۹۵۸ ذخیره طلای آمریکا بنصف رسیده و باین اندکی بیشتر از ۱۰۰ میلیارد دلار یعنی کمتر از نصف ذخیره طلای آمریکا در ۱۹۴۹ است. برای هر یک یک سوم قروض خارجی کوتاه مدت وی به دلار (تجاوز از ۳۰۰ میلیارد دلار) هم کافی نیست. آن امپراطوری که لااقل در سالهای پس از جنگ از میان دنیای آشفته سرمایه داری سرافراشت اینک در پرداخت وامهای خویش در رمانده است. امپریالیسم آمریکا در عرض ۱۱ سال (از پایان جنگ تا ۱۹۶۱) چهار بحران اقتصادی گرفتار آمد و محاطه حاکمه آمریکا بمنظور کاهش نتایج وخیم بحرانها مذکور با افزایش هزینه های نظامی دست زدند و جنگ تجاوزکارانه بر ضد ویتنام پرداختند. ولی تاثیر اینگونه اقدامات موقعی است. هم اکنون تولید در رشته مهم اقتصاد آمریکا یعنی فولاد کمینج و ساختمان در حال رکود و حتی کاهش است.

امپریالیستیهای آمریکا میکنند که بار بحران اقتصادی را بر دوش رقیبان امپریالیست خویش و بویژه بر دوش خلقهای جهان بیاندازند. جنگهای تجاوزکارانه آنها و در نتیجه چنین آنها برای جنگ جهانی دیگر از این تلاش مذبحجاته سرچشمه میگردد.

ماهیت امپریالیسم آمریکا و سیاست روزانه او رویزینویستیهاست. انفراد او و محاصره او در حلقه خلقهای جهان میگردد. آنروزه خلقهای جهان و از آنجمله خلق آمریکا، امپریالیسم را بگوند و راه را برای پرواز بشر بدنیای سوسیالیسم، برای ورود بجهان آزادی، برای سر در عرصه بیگانه دانش بکشایند و در ویست.

رویزینویستیهای شوروی سالهاست میکوشند نفوذ خود را در ایران توسعه دهند و راهی که برای اینکار برگزیده اند راه همکاری با امپریالیسم و پشتیبانی از طبقات حاکمه کونونی و در رأس آنها شاه، راه دفاع از رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران است. طرح همکاری منطقه ای ایران و چهار کشور دیگر آسیای نیرنگ تازمانی برای بسط و تحمیل این نفوذ است. اکنون کشور ما یکبار دیگر از شمال و جنوب در زیر سلطه دو قدرت بزرگ قرار میگردد. یکبار دیگر تاریخ تکرار میشود. در دوران پیش از انقلاب اکثر تزارهای روسیه از شاه ستمید و خونتواری مانند محمد علیشاه پشتیبانی میکردند و وی را در سرکوب آزادی و انقلاب یاری می نمودند. امروز رویزینویستیهای شوروی از محمد رضا شاه که به مراتب خباثناتر است، جنا پیکار تره فاسد تر از محمد علیشاه است و در حال خلق ستم دیده میهن ما حمایت میکنند، در گذشته خلق ایران بانبرد قهرمانانه خود محمد علیشاه را از اریکه سلطنت بزیر کشید و خلق قهرمان روسیه سلطنت تزاری را سرنگون ساخت و قدرت را بدست طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان سپرد. اکنون سوزنوت محمد رضا شاه و تزارهای نوین روسیه جزاین نتوانند بود.

آنچه که مربوط بحاصره چین کبیر توده ای است کافی است باز هم نظریه تاریخ افکنیم. پس از انقلاب فرانسه در قرن هجدهم دولت های فئودالی و ارتجاعی اروپا و از آنجمله تزارهای روس اتحاد مقدسی تشکیل دادند برای آنکه از بسط افکار انقلابی در کشورهای اروپا جلو گیرند و آتش انقلاب را در هر منطقه ای که شعله ور گردد خاموش سازند. اما این اتحاد نامقدس سه اسب افکار انقلابی جلو گرفت و نه توانست سدی در برابر انقلاب روسا ایجاد کند. پس از انقلاب کبیر اکثر امپریالیستها که از سرکوب انقلاب نا امید شدند کوشیدند در برابر این کشور جوان شوراها "سپرد دفاعی" از حکومت های ارتجاعی و فاشیستی بسازند که حکومت رضاخان یکی از حلقه های آن بود. تاریخ نشان داد که چنین سد هایی نمیتوان امواج نیرومند و خروشان انقلاب پرولتاریائی را مهار کرد. انقلاب پرولتاریائی چین پیروز گردید. این بار امپریالیسم آمریکا از طرح دالسی در گرفت. کشورهای از جنوب شرقی آسیا راهیله جمهوری توده ای چین در پیمان ستو گرد آور اما از این پیمان هم کاری ساخته نشد و امواج انقلاب سراسر این کشورها را فراگرفت. اکنون رویزینویستیهای شوروی برای محاصره چین توده ای و سرکوب آتش انقلاب در این کشورها از طرح دالسی الهام میگردد. آنها سوزنوت بهترین از سوزنوت دالسی در انتظار آنها است؟

جنگاور ضد امپریالیستی

خبرگزاریهای خارجی خبر دادند که تا ۵۰۰۰۰ تنی شوروی موسوم به ارتسا روزه ۱ ژوئن وارد بندر امریکائی ساسلسی شد تا نهمین تن تیتان خام که ماده استراتژیک است و شوروی به آمریکا فروخته بشکود اخیر تحویل دهند.

تیتان فلز کمیابی است. بسیار محکم و بسیار سبک است. برای هواپیما سازی ضروری است و بطوریکه مطبوعات آمریکا می نویسند آمریکا از حیث این ماده غالباً در مضیقه است. تیتان شوروی پس از تصفیه در صنعت هواپیما سازی آمریکا در برنامه فضانوردی دفاعی آمریکا بکار خواهد رفت.

بطوریکه یکی از کارمندان خبرگزاری آمریکا اظهار داشت پس از نوزده سال این نخستین بار است که یک ناوشوروی در یکی از بندر آمریکا باراندازی میکند. نخستین بار پس از نوزده سال در آورده ریزینویستی شوروی مصلحت دیده است که این تیتان را که آمریکا از حیث آن غالباً در مضیقه است و برای راه امپریالیست جنگ تجاوز آمریکا ضروری است بوی تحویل دهد. از اینجایی توان فهمید که رویزینویستی های شوروی چقدر نسبت با میزبانی های امریکائی دوستی و توجه دارند.

رویزینویستیهای شوروی از یک سو تمام کوشش خویش را بکار میبرند تا بر همکاری با امپریالیسم آمریکا بیافزایند و با یکدیگر به دلسامیلمد مشغول باشند و از سوی دیگر قیافه جنگ آوران "هدامیالیست" بخود میگیرند. آنها در این اواخر بمنظور گنا تیه کارانه ناگهان بجنبه های ضد امپریالیستی پرداختند و در باره "خطر جنگ جدید جهانی" سینه چاک زدند. ولی در عین حال از اقیانوسها گذشتند تا فلان استراتژیک تیتان را که برای آمریکا گرانهاست بحضور وی تقدیم دارند.

این حادثه نشان میدهد که در آورده ستم مذکور خود را ضد امپریالیست "جاسوزند با امپریالیسم آمریکا در تبتانی است. جنبال های وی در باره "خطر جنگ" جز کوشش در راه آماده ساختن افکار عمومی برای سیاست تجاوزکارانه سوسیال امپریالیستی خنثی چیز دیگر نیست. منظور این در آورده ستم از "عمل مشترک بر ضد امپریالیسم" در واقع "عمل مشترک با امپریالیسم" است.

این اقدام رویزینویستیهای مرتد شوروی ماهیت سوسیال امپریالیستی آنها را عریان میگردد. مخالفان کربن بکلمه خلق ویتنا در جنگ مقاومت در برابر تهاجم آمریکا و نجات ملی تظاهر میکنند و سلاحهای کبیر ای بوی تحویل میدهند و در همان حال برای امپریالیسم آمریکا تیتان میفرستند تا در ساختمان هواپیماهای مدرک در کشتار خلق ویتنام مورد استفاده قرار بگیرند بکار رود. آیا این امر نشان نمیدهد که این در آورده ستم بدنیال امپریالیسم آمریکا روانست و چیز دیگری جز مضمی سوسیال امپریالیستیست؟ رویزینویستی های شوروی با مواضعه با امپریالیسم آمریکا جنایات بسیاری مرتکب شد. اند و آنها را خلقهای جهان بدون کفر نخواهند گذاشت.

پن انفرمسیون شماره ۱۷

توفان و خوانندگان

"همینکما هنامه ای دائر شد باید کار آنرا جدی گرفت و خوب اداره کرد و از این حیث نویسندگان و خوانندگان مجله مسئولیت مشترک دارند. خوانندگان باید نظریات خود را بیان کنند و در طی نامه های کوتاه و مقالات کوچک بگویند که چه چیز را میپسندند و چه چیز را نمیپسندند. این یگانه راه تأمین موفقیت ماهنامه است."

ماترئسه دون

عنوان جدید کمپانیات: X GIOVANNA GRONDA 26030 VILLA D'ADDA/ITALY حساب بانکی: X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO /ITALY

درد پر شور و افتخار بر زندان میان سوسیالیسم

سرمایه‌های ژاپنی در کشاورزی ایران

یکی از خوانندگان روزنامه توقان شماره ۲۰ فوریه ۱۹۶۹ (روزنامه ژاپنی مای نی شین دایلی نیوز) برآیند انگلیسی را به نامتاس خیری که آن روزنامه درباره نفوذ سرمایه‌های انحصاری ژاپن در روستای ایران درج کرده برای ما فرستاده است. این خبر نشان دهنده آنست که رژیم محمد رضاشاه چگونه کشور را در معرض غارت امپریالیستها گذاشته و آثار پیش از پیش استعمار زده ساخته است. از این جهت ما ترجمه خبر را از نظر خوانندگان گرامی توقان میگردانیم:

شش کیلانی بزرگ ژاپنی مشغول تهیه طرحی هستند تا در زمینه رشد کشاورزی در ایران (بخوانید رشد سرمایه داری غارتگر ژاپنی - توقان) اقدام مشترکی بعمل آورند. آنها طرح خود را در ماه آینده بموقع اجرا خواهند گذاشت. برطبق این طرح، کیلانی جدید در منطقه در جنوب کشور به کشت پنبه و علوفه و در منطقه کیلان، به کشت برنج خواهد پرداخت و قسمتی از محصول برنج را به ژاپن صادر خواهد کرد.

کیلانیها در نظر دارند در صورتیکه طرح آنها در ایران موفقیت آمیز از آب درآید آنرا به مناطق دیگر خاورمیانه گسترش دهند. بعضی از این کیلانیها طرح هایی برای رشد کشاورزی در کشورهای جنوب شرقی آسیا مانند اندونزی، لاوس، ویتنام جنوبی ریخته اند. ولی اقدام کنونی در ایران نخستین اقدام آنها در قاره آسیا خواهد بود.

دولت ایران تصمیم گرفته است کشاورزی را رشد دهد زیرا که کشور نمیتواند پایه اقتصادش را فقط بر نفت بنا کند. ایران از کیلانی نی هون کوسه تقاضا کرده است که کمک فنی خود را برای کشت برنج در ایران توسعه دهد. این کیلانی در ماه مارس سال گذشته مزرعه نمونه‌ای بمساحت هشتصد هکتار در منطقه کیلان ایجاد کرد که قدم اول در راه اجرای طرح جدید بشمار می‌رود و پشیمانی کامل دولت ایران است.

برطبق نقشه رشد اقتصادی ۱۴۰۰۰ هکتار زمین به کشت پنبه و علوفه اختصاص داده خواهد شد. در آغاز در منطقه در ده هزار هکتار زمین زیر کشت خواهد رفت و برای این کار ۱۸۰ میلیون دلار سرمایه لازم است که از طرف دولتین ژاپن و ایران پرداخت خواهد گردید. سطح کشت در چند سال آینده در اثر ساختن سد بیرونی رود خانه محلی و افزایش امکانات آبیاری بالا خواهد رفت. با افزایش سطح کشت و گندم و میوه و درخت نیز کشت خواهد شد. ژاپن ماشینهای لازم برای این طرح به ایران صادر خواهد کرد و هر ساله محصولی به ارزش ۵ میلیون دلار به ژاپن خواهد برد. همچنین در منطقه کیلان قریب ده هزار هکتار به تولید برنج اختصاص داده خواهد شد. برای اینکار ۵ میلیون دلار سرمایه لازم است که پنج میلیون آنرا ژاپن تأمین خواهد کرد. از آنجا که مصرف برنج طی سالهای اخیر در ایران افزایش یافته محصول برنج ده هزار هکتار مذکور در خود ایران بصرف خواهد رسید.

کیلانیهای ژاپنی برآنند که رشد کشاورزی ایران باعث می‌گردد که امکانات برای افزایش واردات ژاپن از ایران بیشتر شود. باید توجه داشت که تجارت دو کشور در سال گذشته ششمصد ژاپن بوده است. ژاپن محصولات با ارزش ۱۰۰ میلیون ریال به ایران صادر کرده در حالی که فقط ۳۷۰ میلیون ریال از ایران واردات داشته است. دولت ایران که خزانهاش از عایدات نفت سرشار است توجه زیادی به موازنه تجاری با ژاپن ندارد. ولی در حدی است که هرگاه صادراتش به ژاپن زیاد شود واردات خود را از این کشور باز هم افزایش دهد.

باز هم درباره تاریخچه

سازمان مارکسیستی لنینیستی توقان

دو سال از تاسیس سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان و انتشار دوره سوم توقان میگذرد. سازمان ما طی دو سال گذشته با وجود دشواریهای عظیمی که در پیش داشت، توانست با اتکا به صداقت، صمیمیت و پشتکار اعضا و هواداران سازمان پرچم مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه وین را برافراشته نگاه دارد.

دشمنان ما برای حمله به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان غالباً پیرونده دوره دوم روزنامه توقان را به پیش میکشند تا به کمک نقاط ضعف آن همه چیز گذشته و حال و آینده سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان را نفی کنند. ما خود بدین نقاط ضعف در حد خود واقفیم و مدتهاست از آنها نتیجه گیری کرده ایم. روزنامه توقان در شماره اول دوره سوم بطور کلی به این نقاط ضعف برخورد نمود و در شماره ۱۲ ضمن بیان تاریخچه توقان چنین نوشت: "تاسفانگانه روزنامه توقان (دوره ماقبل سازمان مارکسیستی - لنینیستی) نه توانست مشی روشن و بی تزلزلی تعقیب کند، دچار نوسان شدیدی بود و در عوض اینکه با دادن شعارهای مارکسیستی - لنینیستی در صدد جلبشماره های عام دموکراتیک افکفا میکرد." این نقاط ضعف در داخل سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان نیز بارها مورد رسیدگی و انتقاد قرار گرفته است بطوریکه امروز در این سازمان هیچ عضوی نیست که این نقاط ضعف را مورد حمایت قرار دهد.

سوسیالیسم امپریالیسم

لنین سوسیالیسم امپریالیسم را چنین توصیف میکند: "سوسیالیسم در رفتار امپریالیسم در کردار تبدیل امپریالیسم امپریالیسم" "در باره روابط اقتصادنا سوسیالیسم"

ماروزیونیست های شوروی را بهمین معنی سوسیالیسم امپریالیست مینامیم.

رفیق لنین بیانگر در گزارش بکنگره نهم حزب کمونیست چین درباره آنها چنین گفت:

"از هنگامیکه بروتزف بقدرت رسیده امر ونهی دارد دستسه مردمان روزیونیست شوروی بیش از پیش، بی اثر شده و مشکلات داخلی و خارجی آنها روزافزون گردیده است. از اینجهت دارو دسته مذکور با بنیانی شدید تری سوسیالیسم امپریالیسم سوسیالیسم فاشیسم متوسل میشود، در داخل شوروی فشار برطبق راه افراطی میدهد و احیاناً سرمایه داری را در کلبه عرصه ها تسریع میکند در شان شوروی یقیقیت سازش خویش با امپریالیسم امریکا دست میزند و سرکوب مبارزه انقلابی خلقهای مسالک مختلف را شدت می بخشد، نظارت خویش را برچندین کشور اروپای شرقی و جمهوری توده ای مغولستان تحکیم و استثمار آنها را تشدید میکند، در قیقه کردن خارومیانه و مناطق دیگر با امپریالیسم امریکا در کشتی است و کشور مارا بیش از پیش در معرض تهدید بتجاوز قرار میدهد اعزام صد ها هزار سرباز برای اشغال چکسلواکی و تحریکات مسلمان در جزیره چین چین پیانو، دو اقدام عجیبی است که اخیراً از این دارو دسته بطور رسیده است. این دارو دسته منظر تیره اعمال تجاوزکارانه و فاشیسم خویشتن پروری شوروی "حاکمیت محدود"، "دیکتاتوری بین المللی" و "مسالک مشترک المنافع سوسیالیستی" دست زده است. ولی معنای این ترهات چیست؟

معنایش فقط اینست که حاکمیت شما محدود است و حاکمیت وی نامحدود. و اگر در صدد سرپیچی برآید آنگاه وی نسبت شما "دیکتاتوری بین المللی" اعمال میکند، یعنی دیکتاتوری که نسبت بخلقهای عده ای از مسالک اعمال میشود تا "مسالک مشترک المنافع سوسیالیستی" تحت سلطه تزارهای جدید بوجود آید، به عبارت دیگر مالکی که مستعمره سوسیالیسم امپریالیسم اند نظیر "تظمین اروپا"، که هیتلر بارفان آورده نظیر "منطقه عمران مشترک آسیای بزرگ خاوروی" تحت سیادت میلتاررستهای ژاپنی و نظیر "مسالک مشترک المنافع جهان آزاد" تحت اسارت امریکا. لنین مردمان انترناسیونال دوم را با این عبارت میگوید: "سوسیالیسم در رفتار، امپریالیسم در کردار، تبدیل امپریالیسم امپریالیسم" امروز این عبارت بهتر از همه وقت درباره مردمان روزیونیست شوروی صدق میکند.

دشمنان ما برای حمله به سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان غالباً پیرونده دوره دوم روزنامه توقان را به پیش میکشند تا به کمک نقاط ضعف آن همه چیز گذشته و حال و آینده سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان را نفی کنند. ما خود بدین نقاط ضعف در حد خود واقفیم و مدتهاست از آنها نتیجه گیری کرده ایم. روزنامه توقان در شماره اول دوره سوم بطور کلی به این نقاط ضعف برخورد نمود و در شماره ۱۲ ضمن بیان تاریخچه توقان چنین نوشت: "تاسفانگانه روزنامه توقان (دوره ماقبل سازمان مارکسیستی - لنینیستی) نه توانست مشی روشن و بی تزلزلی تعقیب کند، دچار نوسان شدیدی بود و در عوض اینکه با دادن شعارهای مارکسیستی - لنینیستی در صدد جلبشماره های عام دموکراتیک افکفا میکرد." این نقاط ضعف در داخل سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان نیز بارها مورد رسیدگی و انتقاد قرار گرفته است بطوریکه امروز در این سازمان هیچ عضوی نیست که این نقاط ضعف را مورد حمایت قرار دهد.

اینکه بنامتاس سومین سال تاسیس سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان بقصالت دوره دوم روزنامه توقان نظری میافکنیم: پس از چیزی که روزیونیسم بر حزب توده ایران و عناصر وفادار به مارکسیسم - لنینیسم از آن بریدند و بتشکل مجدد دست کاشتند. بهمین منظور دوره دوم روزنامه توقان با عده قلیلی آغاز انتشار نهاد. توقان نخستین روزنامه‌های بود که پس از چیزی که روزیونیسم بر حزب توده ایران از جانب کسانیکه اینستاها بریده بودند انتشار یافت. انتشار توقان فی تفسه کام مثبتی بود زیرا بسیج فعال و آگاهانه نیروها بدون وجود یک نشریه سیاسی ممکن نبوده و نیست. کسانیکه لزوم انتشار چنین نشریه‌ای را نفی میکردند نراسته یا ندانسته میدان را برای ارگانهای تبلیغاتی روزیونیستها خالی میگذاشتند. ناشرین توقان با وجود اشکالات فراوان میخواستند هر طور شده به نبرد با امپریونیستهای حزب توده ایران بستانند. بدیهی است که مبارزه با "پوزیونیستهای حزب توده ایران و تجهیز نیروهای انقلابی بدون دفاع نیرومند از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه وین میسر نیست. ولی دوره دوم روزنامه توقان در نخستین شماره‌های خود نتوانست به این حقیقت جانف عمل بپوشاند و تا چندی با اعلام شعارهای عام دموکراتیک افکفا میکرد. در این دوره روزنامه توقان مبارزه علیه ارتجاع و رژیم محمد رضاشاه با شدت فراوان بچشم میخورد.

خوانندگان میجاهدند در راه سرنگونی حکومت محمد رضاشاه و حامیان امپریالیستش دعوت میگردیدند ولی برای تبلیغ این ایده از زبان تدین و عرفان استفاده میگفت. دفاع از خلق ویتنام و دفاع از زندانیان سیاسی و دفاع از نیکخواه و یاران (که روزنامه توقان بعنوان اولین نشریه سیاسی بدان پرداخت) و امثالهم جز صفتی که در آن وقت در ایران وجود نداشت.

چنین است وضع مسئله جنبشهای جداگانه ملی. استمالین - راجم باصول لنینیسم

مسئله حقوق ملتها مسئله ای منفرد و مستقل نیست بلکه جزئی است از مسئله عمومی انقلاب بولوتوی. تابع کل استواقضا میکند که از نقطه نظر کل مورد بررسی قرار گیرد.

لنین میگوید: "مطالبات خاص دموکراتیک و آزان جمله حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش، مطلق نیست بلکه جزئی از جنبش عام دموکراتیک (وامروزه: سوسیالیستی) جهانی است. ممکن است که در موارد جداگانه شخصی چیزی با کل در تضاد افتد. در آنصورت باید از جز صفتی که در آن وقت در ایران وجود نداشت.

چنین است وضع مسئله جنبشهای جداگانه ملی. استمالین - راجم باصول لنینیسم

مسئله ملی

مسئله حقوق ملتها مسئله ای منفرد و مستقل نیست بلکه جزئی است از مسئله عمومی انقلاب بولوتوی. تابع کل استواقضا میکند که از نقطه نظر کل مورد بررسی قرار گیرد.

لنین میگوید: "مطالبات خاص دموکراتیک و آزان جمله حق ملتها در تعیین سرنوشت خویش، مطلق نیست بلکه جزئی از جنبش عام دموکراتیک (وامروزه: سوسیالیستی) جهانی است. ممکن است که در موارد جداگانه شخصی چیزی با کل در تضاد افتد. در آنصورت باید از جز صفتی که در آن وقت در ایران وجود نداشت.

چنین است وضع مسئله جنبشهای جداگانه ملی. استمالین - راجم باصول لنینیسم